

مدارس، خانواده‌ها را نیز با آموزه‌های خود هماهنگ کنند.

آثار تربیتی تقوا

شعبانعلی حسینی^۱

چکیده:

تقوا به عنوان مهم‌ترین عنصر تربیت، تاثیرات بسیار وسیع و گسترده‌ای در زندگی دنیوی

۱. دانش‌آموخته جامعه المصطفی ص العالمیه.



آثار عینی روانشناختی و تربیتی نماز



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



و حیات اخروی انسان‌ها دارد و همین امر موجب گردیده تا این عنصر با ارزش مورد اهتمام جدی کتاب تربیت (قرآن کریم) و مربیان معصوم چون پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام قرار گیرد. این مقاله درصدد است که برخی از مهم‌ترین آثار تربیتی تقوا را بررسی، تحلیل و توصیف نماید تا روشن شود که تقوا چه اندازه در موفقیت دنیوی و سعادت اخروی انسان‌ها نقش موثر و شگفت‌انگیزی دارد. شکوفایی عقل، پرورش اراده، دستیابی به علم و حکمت، موفقیت در برابر مشکلات، جلب محبت و ولایت خداوند، سلامت جهانی، تسلط بر نفس و آمرزش گناهان از مهمترین آثار تقوی به شمار می‌آیند.

واژگان کلیدی:

تقوا، آثار تربیتی دنیوی، آثار اخروی

مقدمه

انسان موجودی تربیت‌پذیر است. خداوند به تربیت انسان عنایت ویژه‌ای داشته و از این‌رو، کتاب هدایت و تربیت یعنی قرآن کریم را نازل فرموده است. همچنین الگوها و مربیانی که از هر گناه و خطا معصوم هستند همانند پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام، فرستاده و تعیین نموده است تا با استفاده از منبع زلال وحی، عناصر مهم تربیت را به انسان معرفی کنند و با گفتار و کردارشان او را در این راه هادی و رهنما باشند؛ در نتیجه، انسان با بهره‌مندی از اراده و اختیار خود و با بهره‌گیری از اصول



و روش‌های تربیتی پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام، به هدف نهایی تربیت، که همانا قرب پروردگار و مودب شدن به آداب الهی است، نائل آید.

یکی از عناصر باارزش، مهم و متقن تربیتی، که توسط قرآن، پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام معرفی گردیده، تقواست. خداوند شرط بهره‌گیری از کتاب هدایت را تقوا بیان کرده است. ^۱ پیامبر ﷺ به ابوذر فرمودند: «علیک بتقوی الله فانه رأس الامر کله». ^۲ امیرمؤمنان علیهم‌السلام فرمودند: «التقی رئیس الاخلاق؛ ^۳ تقوا، رئیس اخلاق [و ریشه‌ی آن] است».

در این نوشتار بر آنیم تا با استفاده از آیات و روایات، گذری بر آثار تربیتی تقوا داشته باشیم.

بینایی و شکوفایی عقل

مهم‌ترین استعداد انسان، استعداد عقلانی او می‌باشد. در نظام تربیتی اسلام، شکوفایی و پرورش این استعداد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا عقل گوهر گران‌بهای می‌باشد که در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است تا انسان به وسیله‌ی آن، مصالح و مفاسد، خیرات و شرور، عوامل سعادت و شقاوت و بالاخره «بایدها» و «نبایدها» را به خوبی بشناسد و تمیز دهد. بدین ترتیب، رسالت مهمی بر دوش عقل نهاده شده است و توانایی انجام آن را هم دارد. از سوی دیگر، اموری به عنوان دشمنان و مخالفان عقل برشمرده می‌شوند و همیشه با عقل در حال جنگ و ستیزند. دشمنان می‌کوشند نور عقل را خاموش و او را از رهبری معزول نمایند و کشور تن را در انحصار خویش در آورند. با توجه به روایات، امور مزبور عبارت‌اند از:

۱. شهوت‌پرستی: امیرمؤمنان، حضرت علی علیهم‌السلام، فرمودند: «العقل و الشهوة

ضدان...؛ عقل و شهوت ضد یکدیگرند».

«من لم یملک شهوته لم یملک عقله؛ هر کس مالک شهوت خویش نباشد، مالک

۱. بقره/۳.

۲. محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۸۹، ح ۲۱.

۳. محمد، دشتی، ترجمه‌ی نهج‌البلاغه، حکمت ۴۱۰.

۴. عبدالواحدبن محمد، آمدی، غررالحکم و دررالحمک، ج ۱، ص ۹۶، ح ۲۱۲۲.



عقلش نیز نخواهد بود»^۱.

«لا عقل مع شهوه؛^۲ عقل با شهوت جمع نمی‌شوند».

«آفة العقل الهوى؛^۳ هوا و هوس، آفت عقل است».

«طاعة الهوى تفسد العقل؛^۴ فرمان برداری هوا، عقل را تباه می‌کند».

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: «الهوى عدو العقل و مخالف الحق و قرين الباطل؛ هوای

نفس، دشمن عقل، مخالف حق و همنشین باطل است»^۵.

۲. غضب: مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام، فرمودند: «الغضب يفسد الالباب و

يبعد عن الصواب؛ غضب، عقول را به فساد می‌کشانند و انسان را از حقیقت دور

می‌گرداند»^۶.

۳. کبر: آن حضرت فرمودند: «شر آفات العقل الكبر؛ بدترین آفت‌های عقل،

گردن‌فرازی است»^۷.

۴. طمع: «اکثر مصارع العقل تحت بروق المطامع؛ بیش‌تر زمین‌خوردن‌های عقل، زمانی

است که برق طمع جستن می‌کند»^۸.

۵. عجب: «عجب المرء بنفسه احد حساد عقله؛ خودپسندی انسان، یکی از اموری

است که به عقل وی حسادت و دشمنی می‌ورزد»^۹.

اموری که بیان شد، دشمنان عقل هستند. اگر اینها از اعتدال خارج شوند و طغیان

کنند، در برابر فرمان عقل فرمان می‌دهند و در برابر ندای او غوغا می‌کنند. در این

صورت، کسی ندای عقل خود را نمی‌شنود. این موارد در برابر چراغ عقل، گرد و غبار،

دود و مه ایجاد می‌نمایند و آن‌گاه چراغ عقل نمی‌تواند پرتو بیفکند و از درک واقعیات

و تشخیص حقایق بازمی‌ماند؛ برای نمونه، انسان شهوت‌پرست نمی‌تواند مصالح واقعی

خود را بشناسد و فرد خودبین از درک و شناخت عیوبش، ناتوان است. اگر این امور بر

۱. جمال‌الدین محمد، خوانساری، شرح غررالحکم و دررالحکم، ج ۵، ص ۴۱۶، ح ۸۹۹۵.

۲. همان، ج ۶، ص ۳۶۱، ح ۱۰۵۲۶.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۰۱.

۴. همان، ج ۴، ص ۲۴۹.

۵. میرزا حسین، نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۲.

۶. شرح غررالحکم و دررالحکم، ج ۱، ص ۳۵۷.

۷. همان، ج ۴، ص ۱۷۸.

۸. ترجمه‌ی نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱۹.

۹. همان، حکمت ۲۱۲.





انسان مسلط شوند، عقل را از درک حقایق بازداشته، اثر او را خنثی می‌کند. تقوا، دشمنان عقل را رام و مهار می‌نماید و نمی‌گذارد در برابرش گرد و غبار به وجود آوردند و اثر عقل را خنثی کنند؛ در نتیجه، عقل فرمانروای کشور بدن باقی می‌ماند و همه‌ی غرایز و نیروها تحت کنترلش درآمده، به فرمان او کار می‌کنند. طبیعی است که هر قدر به فرمان و دستور چیزی عمل شود، آن فرمانده به همان مقدار رشد و پرورش می‌یابد.

قرآن کریم اثر تربیتی تقوا را در دو آیه بیان فرموده است: آیه‌ی نخست: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و آمنوا برسوله یوتکم کفلین من رحمته و یجعل لکم نوراً تمشون به؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوا پیشه کنید و به پیامبر اسلام ﷺ ایمان بیاورید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند [خیر دنیا و آخرت] و برایتان نوری قرار دهد که به وسیله‌ی آن حرکت و زندگی نمایید».

در این آیه‌ی شریف، سخن از بصیرتی است که به انسان‌های باتقوا داده می‌شود و آنان در پرتو آن، راه درست را از نادرست به خوبی تشخیص می‌دهند. البته این نور و بصیرت درجات و مراتبی دارد: هر چه درجه‌ی تقوای انسان بیش‌تر باشد، نوری که خداوند به او می‌دهد، قوی‌تر است؛ در نتیجه، راه را به دقت زیر نظر می‌گیرد و کوچک‌ترین پستی و بلندی‌های مسیر را درک می‌کند.

آیه‌ی دوم: «یا ایها الذین آمنوا ان تتقوا الله یجعل لکم فرقاناً؛^۲ ای اهل ایمان، اگر تقوای الهی داشته باشید، خداوند به شما فرقان می‌دهد».

فرقان یعنی چیزی که میان دو شیء فرق می‌گذارد، چنانچه یکی از اسامی قرآن کریم، فرقان است، زیرا به وسیله‌ی آن، حق از باطل مشخص می‌گردد. در این آیه‌ی مبارکه، منظور از فرقان این است که خداوند نوری در انسان‌های باتقوا قرار می‌دهد تا به وسیله‌ی آن بتوانند، به خوبی، حق را از باطل تشخیص دهد. انسان به وسیله‌ی این نور درونی، می‌تواند ایمان را از کفر، هدایت را از گمراهی، فکر درست را از اشتباه و بینش الهی را از بینش شیطانی جدا نماید و حتی در جریان‌های اجتماعی و سیاسی

۱. حدید/۲۸.

۲. انفال/۲۹.



هم صاحبش را از گمراهی نجات دهد. اگر شخص از این نور درونی بی‌بهره باشد، بی‌شک، در مسیر منحرفان قرار می‌گیرد، همان گونه که در جریان انقلاب اسلامی ایران مشخص شد دلیل انحراف بسیاری، بی‌تقوایی و بی‌بصیرتی بود.

اثر تربیتی تقوا در روایات نیز با عبارات گوناگون مطرح شده است که به ذکر دو روایت اکتفا می‌کنیم:

۱. امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام، فرمودند: «من لم يهذب نفسه لم ينتفع بالعقل»^۱ کسی که تهذیب نفس نکرده باشد، از عقل بهره‌مند نخواهد شد.

۲. همچنین فرمودند: «اوصیک و نفسی بتقوی من لایحل لک معصیته و لایرجی غیره و لا الغنی الا الیه فان من اتقی الله، عز و قوی و شیع و روی و رفع عقله عن اهل الدنیا...»^۲ تو و خودم را به تقوای کسی سفارش می‌کنم که نافرمانی او بر تو روا نیست و امیدی جز او نمی‌باشد و نیازی جز به او نیست، زیرا کسی که از خدا پروا کند، عزیز و نیرومند و سیر و سیراب شود و خردش از مردم دنیا فراتر رود...».

حکما عقل را به اعتبار مدرکات و متعلقاتش به دو قسم تقسیم نموده‌اند: عقل نظری و عقل عملی. عقل نظری، مبنای علوم طبیعی، ریاضی و فلسفه‌ی الهی است، ولی عقل عملی، مبنای علم اخلاق، تدبیر منزل و سیاست می‌باشد. عقل عملی مفهوم خوبی و بدی، حسن و قبح، باید و نباید، امر و نهی و ... را خلق می‌کند. راهی که انسان در زندگی انتخاب می‌نماید، مربوط به نوع کار کردن و شیوه‌ی قضاوت و عقل عملی او است. در آثار دینی وارد شده است که تقوا عقل را روشن می‌کند و دریچه‌ی حکمت را به روی انسان می‌گشاید؛ همه‌ی اینها مربوط به عقل عملی است، یعنی در اثر تقوا، انسان بهتر درد و دوی خود و راهی را، که باید در زندگی پیش بگیرد، می‌شناسد؛ مقصود این نیست که تقوا در عقل نظری تأثیر دارد و آدمی اگر تقوا داشته باشد، بهتر دروس ریاضی یا طبیعی را می‌فهمد و مشکلات آن علوم را برطرف می‌سازد!

اثر مستقیم تقوا، رام و مهار کردن دشمنان عقل و نتیجه‌ی آن، آزاد شدن عقل و

۱. غررالحکم و دررالحکم، ج ۲، ص ۷۰۰، ح ۱۳۱۱.

۲. میزان‌الحکمه، ج ۱۰، ح ۶۳۴.



حاکمیت او در کشور بدن است. در این صورت، عقل به دور از دخالت هوا و هوس، به انجام وظیفه می‌پردازد که همانا درک واقعیات، تشخیص حقایق و شناخت «بایدها» و «نبایدها» است. بدین ترتیب، انسان به هدف نهایی تربیت، که قرب و وصل او به خداوند است، نایل می‌شود.

پرورش اراده

یکی از استعدادهایی که خالق متعال در وجود انسان قرار داده، اراده است.

اراده، یعنی عزم و تصمیم بر انجام کار که از نتیجه‌ی چهار رکن به دست می‌آید:

۱. تصور و شناخت فعل؛

۲. تصدیق بر فایده‌ی آن، هر چند زودگذر باشد؛

۳. اعتقاد به قدرت و توانایی بر انجام؛

۴. گرایش و میل شدید، به قدری که از درون، برانگیختگی به دست آید.

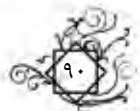
هر گاه این چهار امر فراهم شد، اراده، که همان عزم و تصمیم است، پدید می‌آید. از نظر اسلام، یکی از ویژگی‌های انسان، برخورداری او از موهبت عظیم اراده و انتخاب است. قرآن کریم می‌فرماید: «اناهدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً»^۱ همانا راه را به او نشان دادیم تا انتخاب کند؛ او خود یا سپاس‌گزار است یا کافر».

راه فرشتگان و حیوانات، برخلاف انسان، مشخص و در پیمودن آن هیچ اراده و اختیاری ندارند. دلیل تفاوت انسان و موجودات دیگر، تفاوت در کیفیت خلقت و آفرینش آن دو می‌باشد، چنانچه در حدیث آمده است: «خداوند در فرشتگان عقل بدون شهوت نهاد و در چارپایان شهوتی بدون عقل و در فرزندان آدم هر دو را قرار داد. پس هر کس عقلش بر شهوتش غالب گشت، از فرشتگان برتر است و هر کس شهوتش بر عقلش پیروز شد، از چارپایان بدتر می‌باشد»^۲.

براساس این حدیث شریف، حیوان تنها راه شهوت را در پیش دارد، چنان که فراروی فرشته راه عقل نهاده شده است. با این حال، انسان از دو نیروی متضاد بهره دارد که

۱. دهر/۳.

۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۹۹.



هر یک راه ویژه‌ای در برابر او می‌کشایند و او را به سوی خویش می‌خواند. این جا پای اراده و انتخاب به میان می‌آید. پس لازمه‌ی وجود این دو نیرو، نیروی سومی است؛ نیروی اراده و انتخاب. براساس این نیرو، آدمی، آزادانه، از عقل یا شهوت پیروی می‌کند. در واقع، انسان به کمک نیروی اراده، مسیر خویش را برمی‌گزیند و در مسیر شهوت یا خرد قرار می‌گیرد. انسان فرزند اراده و تلاش خویش است؛ از این رو، ارزش و شخصیت هر انسانی بسته به میزان عزم و اراده‌ی وی می‌باشد و از این دو، از میان پیامبران، تنها پنج تن به دلیل عزم، صبر و اراده‌ی بسیارشان از خداوند مدال و لقب «اولوالعزم» دریافت کردند.

به خاطر نقش تعیین‌کننده‌ی اراده در سرنوشت انسان و سیر او به سوی اهداف انسانی و مقاصد الهی، در مکتب تربیتی اسلام، بر تقویت و پرورش نیکوی این نیرو بسیار تأکید و سفارش شده است. تقوا نقش بسیار مهمی در تقویت و پرورش اراده‌ی انسان ایفا می‌کند، زیرا تقوا باعث تملک نفس، اتکال به حق و پرهیز از گناهان است و از این رو، سبب رشد و تقویت اراده می‌گردد. برای تضعیف اراده و سستی عزم، هیچ عاملی همانند گناه نیست. هنگامی که انسان در اثر تقوا، درهای گناه را به روی خویش بست و هواهای نفسانی را به بند کشید، اراده قوی‌تر می‌شود.

قرآن کریم درباره‌ی اثر تربیتی تقوا می‌فرماید: «و ان تصبروا و تقوا فان ذلك من عزم الامور»^۱ و اگر صبوری و پرهیزکاری پیشه کنید، پس بی‌شک، نشانه‌ی عزم استوار شما در کارهاست».

این آیه از مسلمانان می‌خواهد که صبر و تقوا پیشه کنند تا مایه‌ی استواری آنان گردد.

مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام، در خطبه‌ی ۱۶ نهج‌البلاغه، تقوا را حالت روحی و معنوی معرفی می‌فرماید که اثرش ضبط و مالکیت نفس است. ایشان در این خطبه می‌فرمایند لازمه‌ی بی‌تقوایی و مطیع هوای نفس بودن، ضعف، زبونی و بی‌شخصیت بودن در برابر محرکات شهوانی و هواهای نفسانی است. انسان در آن حالت مانند سوار



زبونی است که از خود اراده و اختیاری ندارد و مرکب، وی را به دلخواه خود می‌برد. لازمه‌ی تقوا، برخورداری از قدرت اراده، بهره‌مندی از شخصیت معنوی و تسلط بر وجود خویشتن می‌باشد، مانند سوار ماهری که بر اسب تربیت‌شده‌ای سوار است و مرکب خویش را با قدرت و تسلط کامل در جهتی که انتخاب کرده است، می‌راند و اسب به آسانی فرمان می‌برد.

علم و حکمت

طبق آیات و روایات، از جمله آثار تربیتی تقوا، آماده شدن دل برای پذیرش حکمت الهی و اسرار ربانی و در نتیجه، وارد شدن علم و حکمت به قلب انسان پرهیزکار است. به جز راه وحی که ویژه‌ی انبیای الهی است، راه‌هایی برای شناخت حقایق و به دست آوردن معارف برای انسان وجود دارد.

نخست، حواس پنجگانه: بسیاری از علوم بشری به وسیله‌ی حواس پنجگانه به دست می‌آید.

دوم عقل: معارفی که از سیطره و توانایی حواس بیرون است، به وسیله‌ی عقل و استدلال‌های عقلی کسب می‌شود، مانند اثبات وجود خدا، روح، و... .

سوم، دل یا راه اشراق: یکی از راه‌هایی است که بشر می‌تواند بسیاری از حقایق و معارف را درک نماید، به شرط این که انسان روح و روانش را از رذایل نفسانی و صفات شیطانی پاک سازد و از علایق ماسوای حضرت حق وارسته شود، زیرا دل همانند آینه است؛ اگر زنگار هوا و هوس، این آینه را تیره و تار کند، نوری در آن بازتاب نخواهد یافت، ولی هرگاه با تقوا و تزکیه صیقل داده و زنگارهای گناه پاک شود و حجاب‌های شیطانی دل انسان کنار رود، انوار معارف الهی بر دل می‌تابد و درون انسان نورانی می‌شود. البته معارفی که از این راه به دست می‌آید، نقش مهمی در سوق دادن انسان به کمالات معنوی ایفا می‌کند و نباید آن را در زمره‌ی علوم عادی و ظاهری به شمار آورد، زیرا علوم ظاهری افزون بر این که کم و بیش، بدون تزکیه و پاکی روان به دست می‌آید، ممکن است نقشی در سازندگی معنوی انسان نداشته باشد، ولی آنچه بر اثر

تقوا و تزکیه برای انسان حاصل می‌شود، سلسله معارفی است که مربوط به خداشناسی، خودشناسی، رابطه‌ی انسان با خدا و مطابق با واقعیات می‌باشد، به گونه‌ای که اگر دانستن این واقع با روح انسان عجین گردد، اثراتی بسیار عمیق در سیر و تحول بشر به سوی کمال مطلق دارد. این معارف، یاددانی و یادگرفتنی نیست، بلکه هر کس باید به تنهایی آن را دریابد.

قرآن کریم درباره‌ی این اثر تربیتی تقوا می‌فرماید: «واتقوا الله و يعلمکم الله والله بکل شیء علیم؛^۱ تقوای الهی پیشه کنید تا خداوند به شما علم بیاموزد و خداوند به تمام امور آگاه است».

براساس این آیه‌ی مبارکه، تقوا و پرهیزکاری، نقش مؤثری در افاضه‌ی علم و آگاهی از جانب خداوند به انسان دارد.

رسول خدا ﷺ فرمودند: «جاهدوا انفسکم علی اھوائکم محل قلوبکم الحکمة؛^۲ با خواهش‌های نفسستان مبارزه کنید تا حکمت وارد دل‌هایتان شود».

موفقیت در برابر مشکلات

از جمله آثار تقوا، رهایی از مشکلات و نجات از سختی‌هاست. در ادامه، برخی از آیات و روایاتی را، که به این حقیقت تصریح دارد، می‌آوریم:

«و من یتق الله یجعل له مخرجاً؛^۳ هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند برای او محل خروج [از مشکلات] قرار می‌دهد».

«و من یتق الله یجعل له من امره یسراً؛^۴ و هر کس از خدا پروا دارد، خدا برای او در کارش تسهیلی فراهم می‌سازد».

حضرت علی علیه السلام فرمودند: «هر کس تقوا را انتخاب کند، سختی‌ها از او دور گردند، پس از آن که نزدیک شده‌اند. تلخی‌ها شیرین و فشار مشکلات و ناراحتی‌ها برطرف خواهند شد و مشکلات پیایی و خسته‌کننده آسان گردیده، مجد و بزرگی از دست‌رفته

۱. بقره/۲۸۲.

۲. ترجمه‌ی میزان‌الحکمه، ج ۲، ص ۸۵۶، ح ۲۷۶۷.

۳. طلاق/۲.

۴. همان/۴.



چون قطرات باران بر او فرومی‌بارند...»^۱.

در منطق قرآن و معصومان علیهم‌السلام، انسان پرهیزکار از جانب خداوند به نیروی دفاعی ویژه‌ای مجهز می‌شود که چه از حیث روانی و درونی و چه از نظر خارجی، قدرت فائق آمدن بر مشکلات را به او می‌بخشد. تقوا مانند ایمان، آرامش را ارزانی داشته، شخصیت انسان را تحت سیطره قرار می‌دهد و با پیوستن او به قدرت لایزال الهی، زمینه‌ی تأمین نیازها و رفع مشکلاتش را فراهم می‌کند.

در داستان حضرت یوسف علیه‌السلام، قرآن کریم نجات ایشان از چاه و دست‌یابی به مقام‌های والای اجتماعی را ناشی از تقوا و خویش‌داری معرفی کرده است: «انه من یتق و یصبر فان الله لا یضیع اجر المحسنین»^۲.

در عصر کنونی و در انقلاب اسلامی ایران، دیدیم که دشمنان داخلی و خارجی برای ضربه زدن به این نظام الهی چه تدبیرها و شیطنت‌ها به کار بردند، ولی نتیجه‌ای دربرنداشت، زیرا ملت ایران، با اتحاد و پیروی از ولایت فقیه، خود را در مسیر تقوای الهی قرار دادند و در نتیجه، تا این مرحله موفق و سربلند پیش آمده‌اند.

امام نهم علیه‌السلام فرمودند: «لو ان السموات والارض کانتا رتقا علی عبد ثم اتقی الله تعالی جعل الله له منها مخرجا»^۳ اگر درهای آسمان و زمین به روی کسی بسته شود، سپس تقوا پیشه کند، خداوند در کارش گشایش می‌دهد».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تالار جامع علوم انسانی

جلب محبت و ولایت خداوند

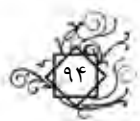
از آثار تربیتی تقوا این است که پرهیزکار مورد محبت و ولایت الهی قرار می‌گیرد؛ ولایتی که جز بندگان با تقوای خدا کسی به آن دست نمی‌یابد. خداوند متعال فرموده است: «بلی من اوفی بعهده و اتقی فان الله یحب المتقین»^۴ آری! هر کس به عهد و پیمان خود با خدا وفا و تقوا پیشه کند، همانا خداوند پرواداران را دوست می‌دارد».

۱. ترجمه‌ی نهج‌البلاغه، ج ۱۹۸.

۲. یوسف/۹.

۳. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۸۵.

۴. آل عمران/۷۶.



«... و الله ولی المتقین؛^۱ خداوند یار و یاور پرواپیشگان است». هنگامی که انسان زیر چتر ولایت و محبت الهی قرار گرفت، خداوند آنچه برای تقرب و به کمال رسیدن او لازم باشد، فراهم می‌سازد. همچنین در حوادث و جریان‌های ظاهری و باطنی از او دستگیری می‌نماید و امدادهای غیبی خویش را به یاری او می‌فرستد، چنان که فرموده است: «بلی إن تصبروا و تتقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمدکم ربکم بخمسة الاف من الملائكة مسومین»؛^۲ اگر صبر و مقاومت کنید و پروا پیشه نمایید، پروردگارتان شما را با فرشته‌های مخصوص مدد می‌رساند». چنانچه در جنگ صفین، خداوند امامش را با فرستادن فرشتگان یاری فرمود.^۳

تقوا و سلامت جسم

وجود صفات ردیله، که ناشی از نبود تقوا است، افزون بر روان در جسم نیز اثرات منفی می‌گذارد؛ برای نمونه، انسان حسود چون همیشه در فکر ضربه زدن به رقیب است و دنیاپرست در اندیشهٔ افزودن ثروت، همیشه با غم، غصه و اندوه زیاد، دست و پنجه نرم می‌کند و این حالات دستگاه هاضمه را از انجام وظیفه بازمی‌دارد در نتیجه، مقاومت بدن در برابر بیماری‌ها کاهش می‌یابد، به گونه‌ای که با کوچک‌ترین بیماری از پای می‌افتد. از سوی دیگر، تقوای پیشگان چون از رذایل دور هستند، اعصابی آرام و قلبی مطمئن و در نتیجه، روح و جسمی سالم دارند.

حضرت علی علیه السلام درباره‌ی نقش تقوا در اصلاح و بهبود روح و جسم می‌فرمایند: «فان تقوی الله دواء داء قلوبکم و بصر عمی افئدتکم و شفاء مرض اجسادکم...»؛^۴ تقوای الهی دوی درد دل‌های شما و باعث بینایی دل‌های شما و شفای امراض جسم‌های‌تان است».

همچنین فرمودند: «الا و ان من صحه البدن تقوی القلب»؛^۵ آگاه باشید که همانا، عامل

تندرستی تن، تقوای دل است».

۱. جائیه/۱۹.

۲. آل عمران/۱۲۵.

۳. توبه/۲۶.

۴. ترجمه‌ی نهج‌البلاغه، خ ۱۹۸.

۵. همان، حکمت ۳۸۸.





معیت خاص خدا

از جمله آثاری که برای تقوا در برخی آیات مطرح شده، برخورداری پرهیزکاران از معیت خاص خداوند است: «واتقوا الله واعلموا ان الله مع المتقين»^۱ تقوای الهی پیشه کنید و بدانید که خدا با پرواپیشگان است.»

«ان الله مع الذين اتقوا و الذين هم محسنون»^۲ خداوند با کسانی است که تقوا پیشه می‌کنند و نیکوکارند.»

البته معیت خداوند دو قسم است: ۱. معیت خاص ۲. معیت عام. قسم نخست، به اهل تقوا اختصاص دارد، چنان‌که دو آیه‌ی مذکور به همین قسم معیت اشاره می‌کند، ولی معیت عام، همگانی است و به پرهیزکاران اختصاص ندارد، چنان‌چه در این آیه بیان شده است: «و هو معكم أين ما كنتم و الله باعملون بصیر»^۳ خدا با شماست، هر جا باشید و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بینا است.»

قدرت

برخورداری از قوت و قدرت روحی و معنوی، یکی دیگر از آثار تربیتی تقواست. تقوای پیشگان، در پرتو عنایت الهی و اعتماد به سلامت نفس و جان، نیرومند، مقتدر، شجاع و مقاوم هستند. *گروه علمی و مطالعات فرهنگی* پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده است: «من اتقى الله عاش قویاً و سار فی بلاد عدوه آمناً»^۴ هر کس تقوای الهی داشته باشد، با نیرومندی و قدرت زندگی می‌کند و در سرزمین دشمن خود، با امنیت خاطر سیر و حرکت می‌نماید.»

امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «... فان من اتقى الله عز و قوی...»^۵ کسی که تقوای الهی پیشه سازد، عزت و قوت می‌یابد.»

۱. بقره/۱۹۴.

۲. نحل/۱۲۸.

۳. حدید/۴.

۴. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۸۳.

۵. میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۶۲۲.



به راستی، کسی که به وسیله‌ی تقوا، نزدیک‌ترین و دشمن‌ترین دشمنانش یعنی نفس اماره را مهار و کنترل کرده، قدرتمند و قوی است. چنین کسی هرگز در برابر دشمنان خارجی و تهدید بیرونی ترس، ضعف و سستی ندارد. نمونه‌ی بارز آن در عصر کنونی، حضرت امام خمینی(ره) بودند.

تسلط بر نفس

از آثار تربیتی تقوا، تسلط بر نفس است. تسلط بر نفس برای حفظ انسانیت انسان و حرکت به سوی خدا لازم و ضروری به نظر می‌رسد. انسان در سیر تکاملی‌اش دشمنان زیادی دارد: شیطان، نفس اماره، افراد فاسد و رفیق ناباب - همه و همه - دشمنان معنوی انسان هستند، ولی طبق احادیث، نفس اماره از همه بدتر و خطرناک‌تر است و اگر مهار نشود، همچون سیل بنیان‌کنی می‌ماند که هیچ‌کس از آسیب آن در امان نخواهد بود. حضرت یوسف علیه السلام با آن همه طهارت نفس و قداست روان، از نفس اماره به خدا پناه می‌برد: «ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربي»^۱ به درستی که نفس، انسان را به کار زشت وامی‌دارد، مگر این که خدا رحم کند».

پیشوای متقیان، حضرت علی علیه السلام، فرموده است: «اقمعوا هذه النفوس فانها طلعه ان تطيعوها نزع بكم الى شر غايه»^۲ نفس‌های سرکش را مهار کنید که لجام‌گسیخته و خودسرند. اگر از آنها پیروی نمایید، شما را به بدترین پرتگاه می‌افکنند».

چیزی که بشر را بر نفس اماره مسلط می‌نماید، ایمان و تقواست. علم، انسان را بر طبیعت مسلط می‌کند و ایمان و تقوا، وی را بر نفسش چیره می‌سازد. دوری از گناهان و بی‌توجهی به خواسته‌های نفس، در انسان حالتی بی‌مانند پدید می‌آورد و از نظر روحی، شخص را به مرتبه‌ای می‌رساند که می‌تواند بر نفس اماره ولایت یابد و اختیار آن را در دست گیرد.

آمزش گناهان

۱. یوسف/۵۳.

۲. شرح غررالحکم و دررالحکم، ج ۲، ص ۲۶۳.



گناه، از بزرگ‌ترین موانع سیر و صعود انسان به سوی کمال است. با وجود گناه، انسان نمی‌تواند پرواز و در عالم ملکوت سیر و صعود نماید. این مانع، به وسیله‌ی تقوا از پیش پای انسان برداشته می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله... و یغفر لکم ذنوبکم؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید... تا خداوند گناهانتان را بیامرزد».

«و من یتق الله یکفر عنه سیئاته؛^۲ هر کس تقوا پیشه سازد، خداوند گناهانش را بپوشاند».

تقوا مانند آفتاب، گناهی را که در وجود گنه‌کار یخ زده است، آب می‌نماید و از بین می‌برد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نقش فضایل اخلاقی در بهداشت روانی

ازگور عرب اغلو (علوی)^۳

چکیده:

صفات و ویژگی‌های فردی و اجتماعی، خاص مخلوقاتی است که داری فطرت و شعور هستند.

۱. احزاب/۷۰ و ۷۱
۲. طلاق/۵
۳. دانش‌آموخته جامعه‌المصطفی ص العالمیه.

